

# حرف‌هایت را به خدا بگو

مایکلین ماندی

تصویرگر

آر. دبلیو. آلی

مترجم

برزو سریزدی

[www.saberinbooks.ir](http://www.saberinbooks.ir)

## سخنی با والدین و مربیان

اگر این کتاب را برای یک کودک انتخاب کرده‌اید، حتماً می‌دانید دعا کردن چقدر در زمان‌های سختی به انسان کمک کرده و به او آرامش می‌دهد؛ پس می‌خواهید کودک هم به چنین تسلی‌خاطری برسد. مشکل‌ترین قسمت به قلم آوردن این کتاب برای من، نوشتن دعا‌های «عمومی» به جای دعا‌های «خاص» بود. زیرا دعا‌های خاص و منحصر به یک موقعیت مشخص، بیشتر با سبک من و البته نیاز کودکان همخوانی دارند. به همین دلیل امیدوارم این کتاب را یک سرآغاز برای دعا کردن محسوب کنید و از کودک بخواهید هرچا لازم بود متن دعا را اختصاصی‌تر کند. هدف اصلی کتاب این است که به کودکان نشان دهد خدا در نزدیکی ماست و می‌توانیم با لحن و زبانی که دوست داریم با او حرف بزنیم.

البته دعا‌های سنتی و مذهبی هم جایگاه مهم خود را دارند، اما در این کتاب گنجانده نشده‌اند. اجازه بدهید دعا‌های سنتی و خاص خانوادگی یا اجتماعی‌تان مسیر اصلی را شکل بدهند.

برای شکل دادن به این مسیر اصلی، لازم است بزرگسالان برای کودکان «الگوی دعا کردن» باشند. کودکان برای آنکه از صمیم قلب باور کنند دعا کردن موثر است، نیاز دارند افراد مهم زندگی‌شان را در حال دعا کردن ببینند و صدای آن‌ها را بشنوند. یادم می‌آید زمانی که بچه بودم از اینکه پدر بزرگم مرده بود بسیار غمگین شده بودم. از خدا خواستم برایم نشانه‌ای بفرستد که بدانم حال پدر بزرگم در بهشت خوب است. از آنجایی که بچه بودم، دعا کردم این نشانه یک دوچرخه باشد! مادرم بعداً تعریف کرد زمانی که آن شب به من نگاه کرده بود، من را درحالی دیده بود که با یک لبخند روی صورتم به خواب رفته بودم. اصلاً یادم نمی‌آید راجع به آن دعا به والدینم حرفی زدم یا نه، اما یک ماه بعد و در روز تولدم یک دوچرخه قرمز هدیه گرفتم! البته آن دوچرخه نو نبود اما برای من اهمیتی نداشت. خدا نشانه‌ای را که می‌خواستم، فرستاده بود و من دیگر نگران پدر بزرگ نبودم.

امیدوارم این کتاب به شما کمک کند ایمان خود و عشق خدا را با کودک شریک شوید. هنگامی که اعتقاد قلبی خود را به کودک نشان می‌دهید، شاهد ایمان پاک و معصومانه او خواهید بود. سپس هر دوی شما با باوری قوی‌تر و مصمم‌تر به زندگی ایمانی خود ادامه خواهید داد.





## من عصبانی هستم

خدای عزیزم! می دانم که تو مرا دوست داری و می خواهی احساس آرامش داشته باشم، نه عصبانیت. اما من الآن خیلی عصبانی هستم و حسی را که از آن پیدا می کنم، دوست ندارم. دلم می خواهد داد بکشم، گریه کنم یا چیزی را پرتاب کنم. خدای عزیز! لطفاً کمک کن وقتی عصبانی هستم کسی را کتک نزدم یا به او آسیب نرسانم. به من کمک کن بفهمم حتی زمانی هم که خشمگین هستم می توانم تصمیم های درستی بگیرم.

